

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه - کابل

۲۳ نومبر ۲۰۱۹



سیاس مر جهالت را که لذت آفرید

یادتان است وقتی خرد بودیم و از کنار دو بزرگسال می‌گذشتیم که با هم با دقت گپ می‌زدند، چند جمله را بلند بلند می‌گفتند، بعد صدای خود را پائین آورده سرهایشان را نزدیک کرده تبصره‌ای می‌کردند که چشمان و گوش‌های کودکانه ما را از لذت ندانستن و پنهانی‌کاری به مورمورک می‌انداخت؟

یادتان است وقتی مادران با خاله فلانی در گوشه‌ای خلوت می‌کردند و ساعت‌ها پس‌پسک داشتند و شما از این که نمی‌دانستید زیر لب آن رازداران چیست و در آن مجلس سری چه رمز هائی گشوده می‌شود، سرتاپای‌تان گوش می‌شد؟ لذت ندانستن یادتان است؟

بعد وقتی بزرگتر شدید و خودتان رازهای سبکی را میان همسنان و دوستان تان آهسته پس‌پسک کردید، دیدید چقدر این طرف پرده لچ است؟ دیدید دانستن چقدر آدم را خالی می‌کند؟

یادتان است وقتی الف با را معلم روی تخته می‌نوشت تمام صورت‌تان چشم می‌شد و می‌خواستید همان حالا درون دست استاد بروید، دروازه قلبش را بگشائید و صندوق ذهنش را باز کرده به دنیای پر رمز و راز الف با و نوشتن راه پیدا کنید و بگردید و سرشار از دانستن شوید؟ یادتان است که ندانستن الف با چقدر لذت داشت؟ اما وقتی کلمات رام شدند، آن‌ها را مثل کفش کهنه کنار گذاشته از پشت پرده‌ها و صندوق‌های دیگر با چشمان پر از حیرت راه افتادید. یادتان می‌آید که هر صندوقی را که باز کردید یک بلست چقوری داشت و چند روزی بیشتر سرگرم‌تان نکرد؟

کسانی از شما از شنیدن نام گلبدین، ربانی، سیاف، کرزی، ملا عمر و خلیلی موی برتن‌تان راست می‌شد و می‌گفتید کاش یک بار آن صندوق‌داران رازها و رمزهای سیاسی را از نزدیک ببینید و لحظه‌ای به چشم‌ها، دست‌ها و لبان‌شان نگاه کنید تا دریابید رازدار بودن و پشت پرده سیاسی نشستن چگونه است؟ بعد رفتید، هم مجلس یکی از آنان شدید و دیدید که چقدر مسطح و کم‌عمق و بی‌اختیار اند! دیدید که بیشترشان به گدی می‌مانند تا پرده‌دار.

کسانی از شما شوق آن طرف ابحار کردید، از هر رنگ تازه و بوی ناآشنا لذت بردید و تمام رنج‌های سفر را تحمل کردید تا دریابید پشت آن همه رنگ‌های متفاوت و بوها و صداها بیگانه چه رازی است. یادتان است که بعد از چند سال وقتی به رازها و رمزهای سطحی و کم‌عمق محیط تازه خود پی بردید چه حسی داشتید؟

زندگی بدون ندانستن جهنم است. ذهن آدم از تشنگی زنده است. اگر بدانیم که طالبان چقدر بیچاره‌اند و اشرف‌غنی چقدر کم‌عمق و عبدالله چقدر خالی است، اخبار و تبصره و تحلیل‌ها تهی خواهند شد و خیلی از ما قهرمان و غذای ذهن نخواهیم داشت. شاید برویم بخوابیم و هیچ کمپاین نکنیم، با دوستان خود هیچ درگیر نشویم و به خاطر دفاع از راز و رمز طالبان هیچ آدمی را گردن نزنیم، به خاطر متفکر بودن اشرف‌غنی هیچ کسی را از کار برکنار نکنیم و به خاطر دفاع از بزرگی محقق هیچ همسایه‌ای را سیلی کاری نکنیم. زندگی بدون چهل چقدر تهی خواهد شد، متوجه شده‌اید؟

وقتی احساس رسیدن کردید از جهالت خود شکرگزار باشید. زمانی که حس برتری برای‌تان دست داد فرشته نادانی را سپاس کنید. هرگاه خود را بسیار مؤمن و بحق دیدید و از جایگاه ایمانی و سیاسی که دارید لذت بردید، بال ملکة ناهمی خود را ببوسید.